

دعایی که امام زمان به علوی مصری آموزش داد/ وظایف نواب خاص

حکمت الهی در غیبت صغری بر این است که به نوعی ارتباط با امام برقرار باشد. بنابراین افرادی باید باشند تا این کار را انجام دهند. در دوره غیبت کبری دیگر این مصلحت وجود ندارد.

حکمت الهی در غیبت صغری بر این است که به نوعی ارتباط با امام برقرار باشد. بنابراین افرادی باید باشند تا این کار را انجام دهند. در دوره غیبت کبری دیگر این مصلحت وجود ندارد.

به گزارش خیرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و یکم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

در جلسه گذشته دو کتاب در مورد ادعیه ای که از ناحیه امام زمان آمده است معرفی کردیم. یکی از دعاهایی که از امام زمان وجود دارد دعای علوی مصری است. این دعا مربوط به گرفتاران است و خواندن آن مخصوص شب جمعه است. تعلیم دعا از سوی خود امام به فردی به نام علوی مصری صورت گرفته است.

دو کتاب در مورد ادعیه ای که در دوره غیبت صغری از امام زمان صادر شده، نوشته شده است که یکی حاوی ۳۰ دعا و دیگری حاوی ۴۲ دعاست. این دعای علوی مصری در این دو کتاب است. «صحیفه المهدی» و «دعاهای صادره از امام زمان در عصر غیبت صغری» دو کتابی است که در جلسه گذشته به آنها اشاره کردم.

امام این دعا را خیلی زیبا آغاز می کند. «رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ قَلْمٌ نُجِبَةٌ» یعنی بارخدا! چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت فرمودی؟

در ادامه دعا می فرماید «وَرَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِبَادِهِ وَ كَفَرَهُ وَ عَثْوَهُ وَ إِدْعَانِهِ الرَّبُّوبِيَّةَ لِنَفْسِيهِ وَ عَلِمِكَ يَا تَهَّ لَا يَتُوبُ وَ لَا يَرْجِعُ وَ لَا يَتُوبُ وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا يَخْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ» یعنی خداوند! آن فرعونی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخ ها برافراشت و سرکشی ها نمود و دعوی خدایی کرد و با اینکه تو می دانستی، توبه نمی کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد، دعایش را مستجاب کردی.

این فقره امیدوارکننده ترین فقره ای است که در کل دعاها وجود دارد. یعنی به استناد این دعا کسی حق ندارد از خداوند مایوس شود.

فرعون توحید در ربوبیت را قبول نداشت اما شیطان با همه ردالتش توحید در ربوبیت را قبول داشت اما در عبودیت مشکل پیدا کرد.

خواندن این دعا به این نحو است که باید بعد از نیمه شب غسل کرد و دو رکعت نماز بخوانند و به امام زمان هدیه کنند و بعد این دعا را بخوانند.

در جلسات گذشته وظایف نواب خاص را بیان کردیم که ده مورد بود و به دو مورد اشاره داشتیم. یکی مبارزه با فرقه فرقه شدن تشیع بود که بحث مبسوطی در مورد آن داشتیم و دوم در مورد مبارزه با مدعیان و باب های به امام زمان بود که شش نفر بودند و آن را نیز توضیح دادیم.

وظیفه سوم نواب خاص برطرف کردن تردید شیعیان در مورد حضرت مهدی است.

ولادت آخرین ذخیره الهی به صورت پنهانی صورت گرفت و جز اندکی از شیعیان، آن حضرت را در دوران پدر بزرگوارش ندیده بودند و تردیدهایی میان شیعیان پدید آمده بود؛ از این رو، یکی از مسؤولیت های مهم و حساس نواب خاص، از میان بردن تردیدهای موجود درباره حضرت مهدی(عج) بود. این تلاش ها، بیشتر در دوران نایبان اول و دوم انجام شد؛ ولی در موارد مورد نیاز در دوره دیگر نواب نیز بدان توجه می شد.

چهارمین وظیفه پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی است.

از احادیث نقل شده توسط نواب خاص و توقیعات صادر شده از طرف امام زمان (ع) به دست آنان، دانسته می شود نواب وظیفه ای دوجانبه داشته اند: از سویی محل زندگی امام را نه فقط از دشمنان، بلکه از شیعیان پنهان نگه می داشتند و به وکلای خود آموزش می دادند مبدا اسمی از آن حضرت به میان آورند؛ از این رو توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند.

مسئله این است که اگر شیعیان می دانستند که مکان حضرت کجاست، حکومت آنها را تحت فشار و شکنجه می گذاشت تا به امام برسد.

پنجمین وظیفه پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی است.

نایبان خاص، پرسش های فقهی و شرعی شیعیان را خدمت امام و پاسخ آن ها را به مردم می رساندند. به ویژه در دوره نیابت نایب دوم، محمد بن عثمان، پرسش های فقهی بسیاری مطرح شد و امام، ضمن توقیعات متعدد و طولانی به آن ها پاسخ داد.

فعالیت های نایبان خاص به مسایل فقهی محدود نمی شد؛ بلکه وظیفه دیگر آنان حل مشکلات علمی و شرکت در بحث ها و مناظرات عقیدتی بود.

ششمین وظیفه سازماندهی وکیل های حضرت بوده است.

از دوران امام کاظم جامعه شیعه دارای دو نوع توسعه می شود. هم شاهد توسعه مکانی هستیم یعنی شیعیان در اقصی نقاط پراکنده هستند. هم دارای رشد کمی می شود یعنی جمعیت آنها نیز افزایش می یابد. لذا امام کاظم (ع) که به شهادت می رسند، بدن ایشان را سه روز روی زمین نگه می دارند. یکی از دلایل این مسئله این است که شیعیان بتوانند با امام وداع کنند. این نشان از کثرت شیعه در دوره امام کاظم به بعد است.

لذا از آن زمان، امام شیوه را طوری طراحی می کنند که مردم بدانند دیگر نمی توانند مستقیم با امام در ارتباط باشند. لذا اینجا سازمان وکالت تشکیل می شود که این وکیل ها با مردم در ارتباطند. اینها به صورت هرم عمل می کنند. این مسئله به صورت غیبت صغری به صورت کامل تری شکل پیدا می کند. اولین کسی که امام انتخاب می کند نایب خاص است. بعد از آن دو وکیل هستند که اینها کم کم از طریق وکلای دیگر، مناطق مختلف را به صورت هرمی پوشش می دهند. مدیریت این سازمان به طوری است که جان امام به خطر نیفتاده است.

وظیفه دیگر نایبان امام، آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری است.

یکی از مسؤولیت های اساسی سفرای چهارگانه - بویژه آخرین نایب - آماده کردن اذهان عمومی برای «غیبت کبرا» و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام و جلوگیری از غافلگیری شدن در موضوع غیبت بود.

غیبت ناگهانی امام مهدی (عج) چه بسا باعث انکار مطلق وجود آن حضرت و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان (عج) در دوران غیبت صغرا، به این هدف و غرض نایل شدند و افکار و اذهان عمومی را برای «غیبت کبرا» آماده ساختند.

رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان (عج) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان از دیگر وظایف نواب خاص بود.

خلاً و کمبودی که به واسطه عدم حضور و فقدان امام، در اجتماع شیعیان پیدا شده بود، بر شد. امام زمان (عج) توانست به وسیله نایبان خاص رهبری خویش را در جامعه اعمال کرده و خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را جبران کرد. آن حضرت، مصالح اجتماع آن زمان و دوستداران را - در سخت ترین و پیچیده ترین شرایط اجتماعی و سیاسی - حفظ کرد و نگذاشت شیعیان منحرف شده و متلاشی شوند.

گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم نیز آخرین وظیفه نواب خاص بود.

هر کدام از نواب خاص امام، در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به حضرت را تحویل می گرفت و در مواردی که

امام دستور می داد، مصرف می کرد.

این ده وظیفه، وظایفی بود که نواب خاص داشتند.

پس از ۶۹ سال دوران غیبت صغری به پایان می رسد و امام در توقیعی که به نایب چهارم خود داشتند توصیه هایی به او می کنند و خبر از غیبت کبری می دهند.

غیبت کبری در نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری با رحلت علی ابن محمد سمري اتفاق افتاد.

در غیبت صغری هنوز حکمت الهی بر این است که به نوعی ارتباط با امام برقرار باشد. بنابراین افرادی باید باشند تا این کار را انجام دهند. در دوره غیبت کبری دیگر این مصلحت وجود ندارد بنابراین نیازی به نواب خاص هم وجود ندارد.

یک سری سوالات عمومی در مورد غیبت کبری مطرح می شود که مشکلی را حل نمی کند و باعث معرفت ما به امام نمی شود مثل اینکه آیا امام همسر دارند یا نه و آیا همسر امام نیز دارای طول عمر هستند و ... حقیقت این است که این نوع سوالات مشکلی حل نمی کند و بابتی را از شناخت امام زمان به روی ما باز نمی کند و به اصطلاح علم نافع نیست. اما در مورد حضرت سوال می شود.

در مورد این سوالات که مطرح کردم، چهار نظریه وجود دارد.

قول اول این است که امام ازدواج کرده اند و دارای فرزند هستند. قول دوم این است که امام ازدواج نکرده اند. قول سوم این است که امام ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند. برخی نیز نسبت به این مسئله سکوت کرده اند. چون فایده ای در آن وجود ندارد.

گروه اول مثل مرحوم مجلسی به استناد شواهدی که دارند، بر این مسئله اعتقاد دارند که امام همسر و فرزند دارند ولی از کم و کیف آن خبر ندارند. عموماً به چهار مطلب استناد می کنند. اولاً در اسلام به مسئله ازدواج تاکید موکد شده است. دوم اینکه پیامبر و رهبران آسمانی روایت های زیادی مبنی بر ازدواج دارند. رسالت امام زمان حفظ سنت پیامبر است لذا حضرت نمی تواند از این سنت الهی جدا باشند.

روایتی از پیامبر وجود دارد که می فرماید من از دنیا سه چیز را دوست دارم که زن، عطر و نماز است. اولی و دومی در خدمت سومی است چراکه نماز فرد متاهل و نماز فردی که عطر زده است هفتاد برابر است. لذا زن و عطر در جهت به کمال رساندن نماز است.

در اسلام در مورد ترک ازدواج تهدید شده است که مثلاً پیامبر فرمود هرکس از سنت من روی برگرداند از من نیست. شریعت دستور موکد بر ازدواج و فرزند داری می دهد. اینها شواهدی است که مطرح می شود.